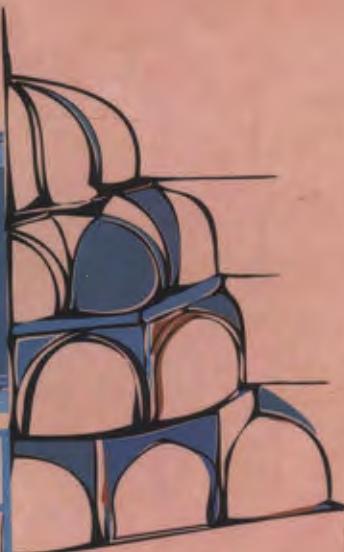


مناسبات معماری و علوم در ایران دوران اسلامی

روح الله مجتهدزاده

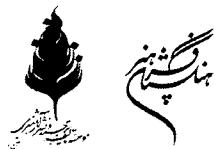


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسبات معماری و علوم در ایران دوران اسلامی

روح الله مجتهدزاده

با مقدمه
دکتر مهرداد قیومی بیدهندی



سرشناسه	: مجتهدزاده، روح الله -۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور	: مناسبات معماری و علوم در ایران دوران اسلامی / روح الله مجتهدزاده؛ با مقدمه دکتر مهرداد قبومی بیدهندی؛ ویراستار؛ اعظم حاج علی اکبر
مشخصات نشر	: تهران: فرهنگستان هرجمه‌ی اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهري	: شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۳۰۷-۴ ص. ۲۲۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
پادداشت	: نمایه.
موضوع	: معماری ایران - تاریخ
موضوع	: معماری اسلامی - ایران - تاریخ
شناسه افزوده	: Islamic architecture - Iran - History
شناسه افزوده	: قیومی بیدهندی، مهرداد، ۱۳۳۸ - ، مقدمه نویس.
شناسه افزوده	: فرهنگستان هرجمه‌ی اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
ردی بندی کنگره	: NA ۱۴۸۰
ردی بندی دیوبی	: ۷۲۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۷۲۷۶۲۲



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

مناسبات معماری و علوم در ایران دوران اسلامی

روح الله مجتهدزاده

(عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز)

با مقدمه دکتر مهرداد قیومی بیدهندی

ویراستار: اعظم حاج علی اکبر

صفحه آرا: میثم رادمهر

طراح جلد: راضیه شریفی

چاپ: اول ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپخانه: چاپ روز

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۳۰۷-۴

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - بن بست بوذرجمهر -

شماره ۲۴ - مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۰۲۶۹۵۱۶۶۲ - دورنگار: ۰۲۶۹۸۶۹۲-۴ - ساختمان مرکزی:

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر - نرسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی ۶۶۴۹۰۹۹۰: فرهنگستان هنر. تلفن:

پست الکترونیک: Info@matnpublishers.ir

نشانی اینترنتی: www.matnpub.ir

ایнстاگرام: [matn_book](https://www.instagram.com/matn_book/)

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر
۱۱	تقریط (به قلم دکتر مهرداد قیومی بیدهندی)
۱۵	پیشگفتار نویسنده
۱۹	فصل اول: مروری بر نسبت علم و معماری در پژوهش‌های موجود
۳۹	فصل دوم: کدام علم؟ کدام معماری؟
۳۹	۲-۱ علم
۴۴	۲-۲ معماری
۴۹	فصل سوم: منابع و روش تحقیق در فهم نسبت علم و معماری
۴۹	۳-۱ فلسفه علم مسلمانان و مقوله طبقه‌بندی علوم
۵۲	۳-۲ پیشینه و سیر طبقه‌بندی علوم در جهان اسلام
۵۹	۳-۳ منابع و روش تحقیق
۶۹	فصل چهارم: نسبت علم و معماری در متون طبقه‌بندی علوم
۷۰	۴-۱ قرن سوم / نهم تا نیمة پنجم / یازدهم؛ عصر فیلسوفان
۸۱	۴-۲ نیمة قرن پنجم / یازدهم تا اوایل قرن هشتم / چهاردهم؛ عصر متكلمان ..
۸۹	۴-۳ قرن هشتم / چهاردهم تا سیزدهم / نوزدهم؛ عصر دانشنامه‌نویسان
۱۱۱	فصل پنجم: مراتب علمی در صناعت معماری؛ طرح یک نظریه
۱۱۱	۵-۱ علم عملی؛ مفهوم، جایگاه و سیر تحول آن در طبقه‌بندی علوم
۱۱۹	۵-۲ معماری و علوم عملی
۱۱۹	۵-۲-۱ هندسه عملی؛ دانش پایه در حوزه معماری

۱۲۴	- از رئاست بناء تا عقود ابنيه؛ نظری بر علم استادان صناعت معماری.
۱۳۱	-۵-۲-۲- مهندسی؛ دانش عالی در حوزه معماری
۱۴۳	-۵-۳- تبیین سلسله مراتب نظام معرفت علمی معماری
۱۴۷	فصل ششم: نتیجه
۱۴۸	-۶-۱- جایگاه معماری در سلسله مراتب علوم در دوران اسلامی
۱۵۰	-۶-۲- چگونگی ارتباط معماری و سایر علوم
۱۵۲	-۶-۳- نقش علم در حوزه عمل معماری
۱۵۵	-۶-۴- نقش علم در تبیین مراتب حرفه معماری
۱۵۷	-۶-۵- محدودیت ها و پرسش های تازه
۱۶۱	فهرست منابع
۱۷۱	علوم
۱۷۰	پ-۱- اصناف العلوم الحكميه
۱۷۲	پ-۲- التعريف بطبقات الأمم
۱۷۳	پ-۳- اسرار الحكمه
۱۷۴	پ-۴- مجمل الحكمه
۱۷۶	پ-۵- درةالتاج لغرةالدجاج
۱۷۹	پ-۶- نفائس الفنون فى عرائس العيون
۱۸۱	پ-۷- مقدمة ابن خلدون
۱۸۴	پ-۸- رساله صناعيه
۱۸۷	پ-۹- مطلع العلوم و مجمع الفنون
۱۹۱	پیوست دو؛ جایگاه معماری در طبقه بندی علوم در جهان غرب
۲۱۹	نمايه

فهرست جداول و نمودارها

جدوال

- جدول ۱-۱- تلخیص و تحلیل مطالعات پیشینه ۳۷
جدول ۱-۳- اهم منابع مورد استفاده در تحقیق حاضر در حوزه طبقه‌بندی علوم ۶۵
جدول ۱-۴- چکیده یافته‌های مرتبط با معماری در منابع طبقه‌بندی علوم ۱۰۲

نمودارها

- نمودار ۱-۴- اجزاء صناعت و صنف معماری براساس یافته‌های منابع طبقه‌بندی علوم ۹۹
نمودار ۱-۵- هندسه معرفت معماری در دوران اسلامی ۱۴۵

سخن ناشر

بازشناسی انحصاری پیدایش و تکوین هنر ایران اسلامی از جمله مباحث مهم در شناخت این حوزه است و گشودن راهی برای نظر کردن در شروط و موقعیت‌های شکل‌گیری و تکوین انواع هنرها با عنایت به بستر اعتقادی - معنوی و زیست‌جهان علمی - فرهنگی این دوره از تاریخ ایران همت پژوهشی مضاعف می‌طلبد. معماری در مقام شاخص‌ترین هنر ایران در عصر اسلامی از موضوعات چالش‌برانگیز در دوران معاصر به شمار می‌رود. در این راستا جا دارد معماری اسلامی در سرزمین ایران با عنایت به «صناعت معماری» موضوع تحقیق باشد و نسبت آن هم با سنت انتقال سینه به سینه فنون معمارانه و هم با سامانه تعلیمی علوم آن روزگار مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، به جای روی کردن به معماری و نسبت آن با علوم زمانه از منظر دیدگاه‌های شرق‌شناسان بجاست بکوشیم از دل خود سنت معماری و از حیث معرفت‌شناسی معمارانه در عصر اسلامی به این موضوع پيردازیم. بى تردید معماری در مقام علم بر پا کردن بنا و فراهم آوردن امکان سکونت بر مبنای دانش‌های پایه، به ویژه هندسه و ریاضیات، است و از این رو بازسازی نوع نگاه معرفت‌شناسانه معماران امری ضروری است و نگاه معرفت‌شناسانه برخاسته از نسبت معماری در مقام فن و هنر با نوع خاصی از نظام علمی و تعلیم آن علم در بستر سامانه تعلیمی آن عصر، لاجرم در دل نوعی معرفت‌شناسی خاص قرار می‌گیرد که پژوهش حاضر سعی در بازسازی آن دارد. امید است این پژوهش چراغ راهی باشد برای معماران معاصر تا به تولید آثاری در زمینه تقویت بنیه نظری رویکرد احیاگرانه به مواریت سنتی پيردازند و با کشف حقایق معماری اسلامی در ترویج آن در معماری امروز بکوشند و رسالت حقیقی خود را به جا آورند.

تقریظ

برخی از فیلسفان تاریخ را معتبر برای معرفت تاریخی را همدلی با کنشگران تاریخ دانسته‌اند؛ و گروهی دیگر این همدلی را مُحال و این آرزو را خام شمرده‌اند. هر عقیده‌ای که در این باره داشته باشیم، قائل بودن به امکان معرفت تاریخی و اعتبار آن در هر صورت ملازم است با اندازه‌ای از همدلی با کنشگران تاریخ؛ همواره همراه است با نوعی قیاس‌به‌نفس. ما برای فهم دیگران و آنچه کرده‌اند، خواهی‌نخواهی، همیشه به قیاس‌به‌نفس دست می‌زنیم. مبنای این قیاس‌به‌نفس مرتبه‌ای از شباهت است که، به صرافت طبع، بین همه انسان‌ها در همه تاریخ و جغرافیا قائلیم. اما این قیاس‌به‌نفس در فهم تاریخ را، که حدی از آن ناگزیر است، باید در همان حداقل لازم مهار کرد. اگر قیاس‌به‌نفس در فهم تاریخ از حد بگذرد، گرفتار اقسام پریشانی فهم می‌شویم؛ از پریشانی طولی و نادیده گرفتن موقعیت‌های زمانی و تاباندن برخی از صفات روزگار خود به دیگر برهه‌های زمان (زمان‌پریشی) گرفته، تا پریشانی‌های عرضی فرهنگی و جغرافیایی.

تاریخ معماری نیز بر شالوده همین حداقل از قیاس‌به‌نفس ساخته می‌شود. آری، نباید همه ویژگی‌های اصلی معماری امروز را به گذشته بتابانیم و نظایر آنها را در گذشته بجوییم؛ درست است که مثلاً ادعای چیزی مانند طراحی معماری امروز در معماری گذشته نمونه زمان‌پریشی است؛ آری، خطاست که معماری پیشامدرن را با همان الگوی خلاقیت هنرمندانه معماری جدید مطالعه کنیم؛ با این همه، فقط با حداقلی از قیاس‌به‌نفس است که می‌توانیم درباره معماری گذشته فکر کنیم و به فهم چیستی و چگونگی آن برآییم. تفکر همواره از ریشه‌ای پا می‌گیرد و بر شالوده‌ای بالا می‌رود. انسان نمی‌تواند بر پایه «هیچ» بیندیشد. اگر

این قیاس‌به‌نفسِ بنیادی نباشد، هر پرسشی از هر معماری‌ای بیرون از زمانه و زمینهٔ محقق نامعتبر می‌شود.

این قیاس‌به‌نفس و شبیه‌سازی به ما امکان می‌دهد بیندیشیم که در گذشته کمایش منقطع از ما، یعنی گذشتهٔ پیشامدرن ایران، نیز چیزی شبیه به آنچه امروزه «معماری» می‌خوانیم در میان بوده است. همین کاروبار و سازوکار بوده که به ساختنِ محیطِ مصنوع – اقسام بناها و محوطه‌ها و مجتمع‌ها و شهرها – انجامیده است. معماری امروز را آمیخته به معرفت، برآمده از معرفت، و منجر به اقسامی از معرفت می‌دانیم. می‌دانیم که معماران امروز از معرفت‌هایی برخوردارند که در معماری‌شان مؤثر است؛ در حینِ کارِ معماری، معرفت‌هایی به دست می‌آورند یا معرفت‌های پیشین را فربه‌تر می‌کنند؛ و پس از کارِ معماری نیز، از طریق مطالعهٔ اثر معماری خود و دیگران، معرفت‌های دیگری به دست می‌آورند. چنین قیاس‌به‌نفسی است که ما را مجاز می‌کند معماری گذشته را مرتبط با اقسامی از معرفت، ولو متفاوت با امروز، بشماریم و از چیستی آن معرفت‌ها و چگونگی کسب‌شان و طرزِ دخالت‌شان در کاروبار معماری پرسیم.

پرسش از رابطهٔ میانِ معرفت و معماری در هریک از پاره‌های تاریخی و جغرافیایی ایران پیشامدرن اقسام و حوزه‌های گوناگونی دارد. برخی از این پرسش‌ها بیشتر اجتماعی و تاریخی است؛ معماران (و دیگر عاملانِ معماری) چه معرفت‌هایی داشتند؟ این معرفت‌ها را چگونه و در کجا و از چه کسانی می‌آموختند؟ چقدر از این معرفت‌ها هنجره‌های اجتماعی عمومی بود و چقدر از آنها هنجره‌های اجتماعی خاصِ اهلِ پیشهٔ معماری؟ معماران این معرفت‌ها را چگونه و در کجا به کار می‌بستند؟ این معرفت‌ها چه خاستگاه‌هایی داشت و در طیِ زمان چگونه تکون یافته بود؟ پیوند این معرفت‌ها با دیگر معرفت‌ها در نظام معرفتی جامعه چه بود؟ این معرفت‌ها در محصولِ کارِ معماری در جامعه چه ظهور و بروزی داشت؟ این معرفت‌ها با نظام اقتصادی و طبقاتی چه ارتباطی داشت؟ نسبت این معرفت‌ها با سازوکارِ قدرت چه بود؟ برخی دیگر از پرسش‌ها بیشتر روان‌شناسختی است؛ شماری دیگر از آنها به ذهنیات و خاطره‌های جمعی مربوط است؛ و همین طور بسیاری حوزه‌های دیگر.

دسته‌ای از این پرسش‌ها فلسفی و معرفت‌شناسختی است؛ معرفت‌های معماران یا عاملان معماری چه نوع معرفت‌هایی بود؟ این معرفت‌ها در کجای نظام معرفتی روزگار می‌نشستند؟

فیلسوفانِ همان روزگار (یعنی برهه‌ای که درباره‌اش تحقیق می‌کنیم) چه پاسخی برای این پرسش‌ها داشتند؟ آیا معماری را در زمرة علوم می‌شمردند؟ آنان بینِ علوم مربوط به معماری با دیگر علوم چه پیوندی قائل بودند؟ بینِ معرفت‌های معماری، و معرفت‌های پرا-معماری، با عملِ معماری چه رابطه‌ای قائل بودند و این پیوند را چگونه توضیح می‌دادند؟ و

کتابِ حاضر به دستهٔ اخیر پرسش‌ها دربارهٔ معرفت معماری می‌پردازد. نویسندهٔ کتاب، که به نظرِ این بندۀ از امیدهای تاریخ و تئوری معماری در روزگار ماست، این پرسش‌ها را از فیلسوفانِ جهان اسلام پرسیده و در نهایت به پاسخ‌هایی بعضًا نو رسیده است. پیش‌تر نیز برخی از دانشوران به پرسش از نسبتِ معماری و اقسام معرفت‌ها و علوم در جهانِ اسلام اعتنای کرده بودند؛ اما تحقیقی به این جامعیت و با این میزان از دقت و با چنین نتایجی بی‌تردد تازه است. اگر بتوان به چیزی از قبیل فلسفهٔ علمِ معماری و تاریخِ علمِ معماری قائل بود، این تحقیق بی‌شك گامی مهم در این دو حوزه است.

ستایش در آغاز و انجام از آن خدادست

مهرداد قیومی بیدهندی

تهران، دانشگاه شهید بهشتی

آذر ۱۳۹۸

پیشگفتار

خوانش تاریخ معماری با محوریت معماری، خوانشی است که در منابع متقدم و پر مراجعة تاریخ معماری ایران کمتر سابقه دارد. تاریخنگاری معماری در ایران – با اغماض از برخی جریان‌های نوپا اما امیدبخش در یک دههٔ اخیر – عمدتاً ذیل سه محور «حفظ و احیا» است آثار تاریخی، «باستان‌شناسی»، و «شرق‌شناسی و ایران‌شناسی» انجام گرفته است (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۸۹). غلبهٔ چنین رویکردهایی باعث شده تا معرفی معماری تاریخی کشورمان عمدتاً کمی و محدود به شرح و توصیف صوری و کالبدی بناها باشد (همو: ۲۶۱) و کمتر تاریخنگاری با رویکرد معماریانه^۱ در دستور کار باشد. چنین منابعی که عمدتاً از سوی باستان‌شناسان، مورخان هنر، و در دوره‌های متأخرتر مرمت‌گران نوشته شده است، اغلب تکیه‌گاه خود در رویکرد به معماری را یکی از سه حوزهٔ پیشگفتنه قرار می‌دهد. چنین رویکردی البته بدیلی هم دارد؛ و آن هم مطالعاتی است که به تحلیل بناهای تاریخی بر اساس اصول معماری امروز، و بدون احساس نیاز به بهره‌گیری از دانش تاریخ معماری، در تحلیل چنین بناهایی می‌پردازد. تمرکز این رویکرد اخیر که بیشتر در کارگاه‌های طراحی معماری، و گاه پژوهه‌های حرفه‌ای به چشم می‌خورد، عمدتاً

۱. در اثر حاضر در موارد محدودی واژه «معماریانه»، صفت نسبی حاصل از معماری (اسم) + انه (بسوند نسبت)، به کار رفته است. البته واژه رایج برای چنین صفت نسبی‌ای واژه «معمارانه» است که کاربردی نسبتاً عام دارد. اما دلیل استفاده از واژه معماریانه در مواردی خاص در این تحقیق ابهامی است که در معنای واژه معمارانه مستر است. می‌دانیم معمارانه (به عنوان یک صفت نسبی) هم به شخصیت معمار و خلق و خوشنی که ملازم یا آن است باز می‌گردد و هم به معماری به مثابة محصول عمل معمار: تا جایی که منظور ما از کاربرد این صفت هر دو جنبه فوق باشد این ابهام خالی وارد نمی‌کند اما اگر منظور ما از چنین صفتی تنها اشاره به محصول معماری، فارغ از معمار، یا فراتر از آن اشاره به آنچه باشد که به حوزه معماری منسوب است در این صورت ابهام فوق الذکر می‌تواند معنا را محدودش سازد. در این رساله برای پرهیز از چنین ابهامی در محدود مواردی که ضروری بوده از صفت نسبی معماریانه، علی‌رغم عدم رواج آن در زبان میانوار و فرهنگ‌های لغت، استفاده شده است. شایان ذکر است که این لغت پیش از این توسط برخی دانشواران حوزهٔ تاریخ و مطالعات معماری، از جمله جناب دکتر قیومی ییدهندی، استفاده شده است.

تحلیل فضای معماری و از آن طریق «دریافت ارزش‌های فضایی معماری در دوره‌های مختلف است؛ به این جهت برخی آن را «نگرش معمارانه» به تاریخ معماری نامیده‌اند (همو: ۲۵)؛ که البته به عنوان رویکردی در حوزه تاریخ معماری نامگذاری مبهمی است، زیرا علاوه بر آنکه نویسنده‌گان چنین منابعی خود اغلب واژه «تاریخ معماری» را به صورت مشخص در آثارشان نیاورده‌اند (همان‌جا)؛ هدف از چنین بررسی‌هایی نیز نه دستیابی به شناخت تاریخی که ارتقای دانش طراحی فضا (اعم از بنا و محیط) در دوران معاصر با استفاده از بناهای تاریخی بوده است.^۱

مجموعه‌ای‌ها بدان معناست که در تاریخ‌نگاری معماری ایران، با اغماض از استثناهای عمدتاً متاخر، جای گونه‌ای از تاریخ معماری که تمرکز آن بر فهم خود معماری یا، با عطف به زمینه تاریخی، «صناعت معماری» باشد تا حد زیادی خالی است. در این پژوهش، با آگاهی از چنین خلی، بر آنیم با محور قرار دادن مفهوم «صناعت معماری» به پژوهش در «تاریخ معماری» ایران در دوران اسلامی پردازیم. هرچند صناعت در برخی فرهنگ‌های فارسی معاصر، چون فرهنگ معین، به هر دو معنای حرفه و هنر آمده اما در گذشته نزد فارسی‌زبانان صناعت تنها معنای نزدیک به معنای امروزی حرفه داشته است. میرفندرسکی در رساله صناعیه، یکی از محدود متون فلسفی به‌جا مانده در باب صناعات، تصریح می‌کند که صناعت را به فارسی دری «پیشه» می‌گویند (۱۳۸۷: ۷۷). همین معنا را تهانوی در کشاف اصطلاحات العلوم و الفنون تکرار می‌کند (۱۹۹۶: ۱۰۹۷؛ ۲: ۱۹۹۶)؛ بر این اساس معماری گذشته ایران را بیش از هرچیز باید یک «پیشه» دانست.

پیشه بودن معماری تبعات مهمی برای فهم امروزی از معماری گذشته، دربرداشته است. مهم‌ترین آن به فهم ماهیت معماری گذشته در نزد صاحب‌نظران امروزی بازمی‌گردد. معماری در مقام یک پیشه، نزد این صاحب‌نظران، اغلب چون عملی صرفاً تجربی که در نظامی شفاهی و به روش سینه به سینه انتقال می‌یافته، درک شده است. مراجع معتبر معماری ایرانی، اعم از

۱. برای ملاحظه نمونه‌ای از این قبیل نوشه‌ها نک.: نوایی، کامیز (۱۳۷۸)، «کاربرد آثار تاریخ معماری در آموزش طراحی معماری»، رواز، شماره ۴ (پاییز و زمستان)؛ و نیز معماریان، غلامحسین (۱۳۹۴)، مبانی طراحی معماری. تهران: انتشارات نغمه نوآندیش.

۲. برای دو مورد از چنین استثنائاتی نک.: ابوعلی، سامان (۱۳۸۹)، اندازه و شمار در صناعت عمارت: راهی برای آموختن صناعت عمارت در گذشته ایران به کمک اندازه و شمار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی؛ صفائی پور، هادی (۱۳۹۴)، روش‌شناسی فهم و تبیین مراجع طراحی معماری سنتی معاصر ایران، رساله دوره دکتری معماری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

محققان داخلی و خارجی، چنین رأیی را به انحصار گوناگون در آثار خود مطرح کرده‌اند. مرحوم پیرنیا با ستایش از دریایی معارفی که در سینهٔ معماران سنتی ایرانی وجود دارد آنان را حاملان معرفتی می‌داند که سینه‌به‌سینه و نسل اnder نسل انتقال یافته است (۱۳۸۷: ۵۰-۵۱). آندره گدار با لحنی کمتر ستایشگرانه معمار سنتی را بتابی می‌داند که در ضمن کار استاد شده و به درجهٔ معماری رسیده است؛ به نظر او چنین معمارانی جز آنچه در ضمن کار می‌آموختند اطلاعات دیگری نداشتند و فاقد سواد و معلومات عمومی بودند (۱۳۷۷: ۴۶۵).

دقت در اقوالی از این دست نشان می‌دهد، «پیشه» بودن معماری و به‌تبع آن غلبهٔ سنت شفاہی برآموزش و انتقال معماری گذشته کشورمان اغلب موجب این سوء‌تعییر شده که معماری تاریخی ایران سنتی فاقد دانش است که دستاوردهای خیره‌کننده آن نیز از منابعی غیر از علم (چون تجربه، شهود و نظایر آن) حاصل آمده است. اما آیا به راستی تمام دستاوردهای شکوهمند معماری گذشته می‌توانسته فارغ از دانشی نظاممند حاصل آید؟ آیا پیشه‌وارانه (یا صناعی) بودن معماری گذشته معادل غیرعلمی بودن آن است؟ این پرسش زمانی بر جسته‌تر می‌گردد که دریابیم، به‌واسطهٔ برخی شواهد تاریخی، دانش معماران گذشته تنها منحصر به امور بتابی نبوده بلکه معماران با علومی چون هندسهٔ عملی و حساب عملی و حیل (مثلًاً از باب نظام پیچیده آبرسانی یا جزاتصال) نیز سروکار داشتند (قیومی، ۱۳۹۰ الف: ۹۶)؛ چنین شرایطی به‌خودی خود ضرورت تأمل جدی‌تر دربارهٔ نسبت علم و معماری در گذشته تاریخی کشورمان را پیش می‌کشد. تأمل در این باب مسئله اصلی تحقیق حاضر است.

در بررسی نسبت علم و معماری به دو طریق می‌توان به طرح پرسش پرداخت. یکی پرسش از نسبت عالمان و معماران است، مثل اینکه معماران با اهل هریک از حوزه‌های دانش چگونه به تعامل می‌برداختند؟ و دیگری پرسش از نسبت صناعت معماری و علوم تعلیمی است، مثل اینکه معماری (به‌متابه یکی از صناعات) با چه علومی سروکار داشت؟ رویکرد اول را می‌توان گونه‌ای رویکرد «اجتماعی - تاریخی» و رویکرد دوم را «فلسفی - تاریخی» دانست. پرسش اصلی تحقیق حاضر برخاسته از رویکرد دوم است و به نسبت میان معماری ایران در دوران اسلامی با علوم زمانه‌اش می‌پردازد. در این راستا تحقیق حاضر پرسش از این نسبت را به چهار پرسش خردتر تحویل می‌نماید و خواهد کوشید با جست‌وجو در منابع پایه تحقیق، که در فصل سوم به تفصیل معرفی شده، به این پرسش‌ها پاسخ دهد. این چهار پرسش عبارت اند از:

معماری چه جایگاهی در نظام علمی دوران اسلامی داشت؟

ارتباط معماری با شاخه‌ها و طبقات مختلف علوم به چه واسطه یا وسائطی تحقق می‌یافتد؟

علوم مرتبط با معماری چه نقشی در حوزه عمل معماری داشتند؟

علوم مرتبط با معماری چه نقشی در مراتب حرفة معماری داشتند؟

کتاب حاضر در شش فصل به این پرسش‌ها پاسخ می‌گوید؛ فصل نخست ضمن بررسی پیشینه تحقیقات پیرامون نسبت علم و معماری در جهان اسلام رویکرد کتاب حاضر و تفاوت آن با آثار مشابه را تبیین می‌کند. فصل دوم به بررسی دو مفهوم علم و معماری، به عنوان مهم‌ترین واژگان کلیدی تحقیق حاضر، اختصاص دارد. در فصل سوم متون طبقه‌بندی علوم، در مقام منابع پایه تحقیق، و روش تحلیل داده‌های حاصل از این منابع معرفی می‌گردد؛ و در چهارمین فصل یافته‌های متون پایه تحقیق در راستای فهم نسبت علم و معماری در این متون عرضه می‌گردد. فصل پنجم، با استفاده از یافته‌های پیشین، ماحصل یا در واقع نظریه تحقیق حاضر در باب نسبت علم و معماری در ایران دوران اسلامی را عرضه می‌کند؛ و سرانجام در فصل ششم ضمن جمع‌بندی بحث به هریک از پرسش‌های فوق در قالب چند پاراگراف پاسخ داده می‌شود.